

شماره ۱۹
یکشنبه ۵ آذر ۱۳۹۶



کلمات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به مستند
«اشترانکوه»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۱۱، یکشنبه، ۵ آذرماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

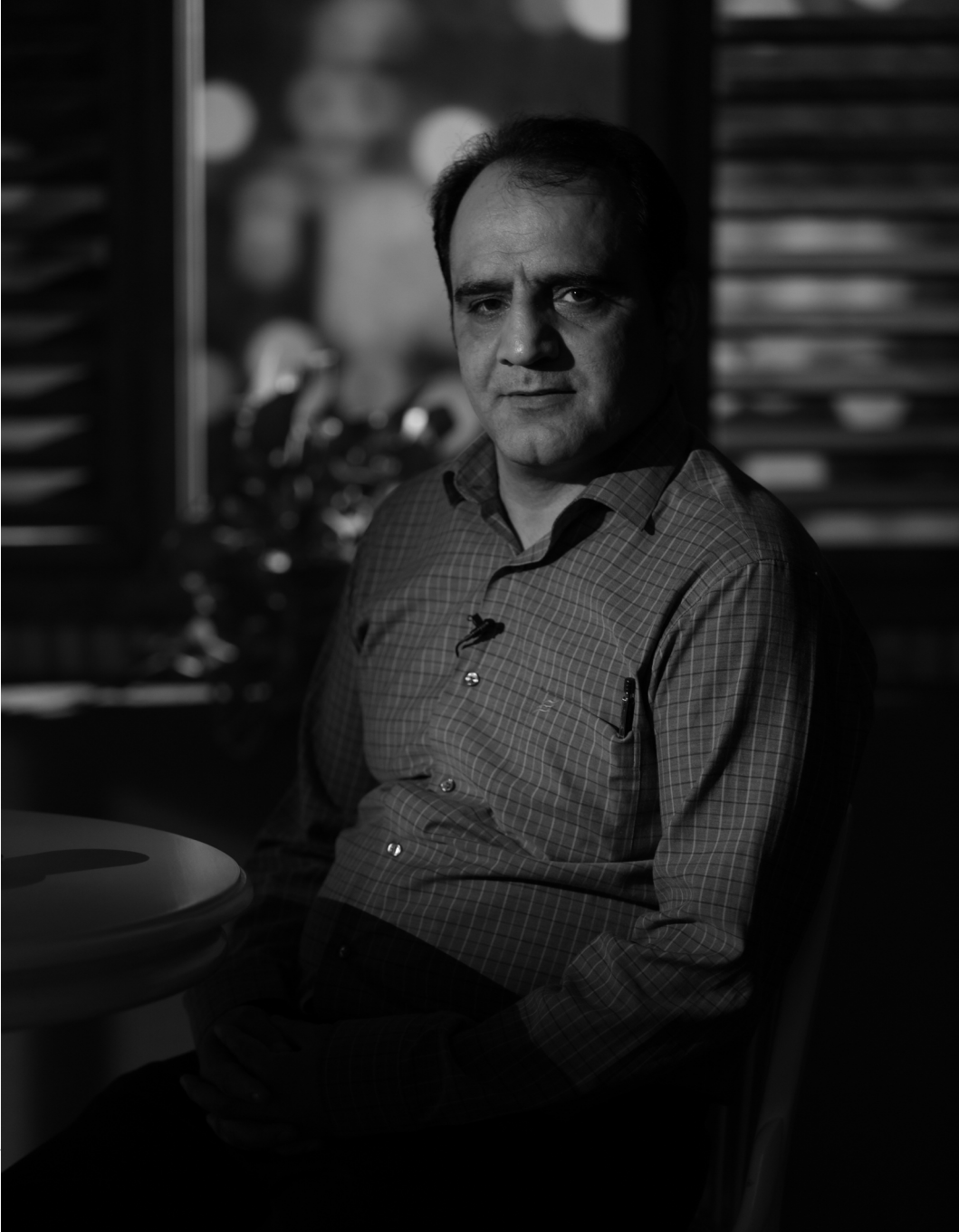
با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





بهمن ابراهیمی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

کلی راه رو به سختی رفته بود تا برسه به دریاچه گهر و از اونجا فیلم بگیره. کانکس سازمان محیط زیست، برخلاف اون چیزی که بهش گفته بودن، برق نداشت و نتونسته بود باتری‌ها رو شارژ کنه. برای همین هم یه بار بیشتر نمی‌تونست از دریاچه هلی‌شات بگیره.

خب اتفاق‌های عجیب و غریب هم درست تو همین جور واقعه که می‌افتن! یه زنبور سرخ بزرگ اومده بود و نشسته بود رو دستش و اون نخواسته بود دستش رو تکون بده که کیفیت تصویر خراب شه و زنبور نیشش زده بود. یه ساعت بعد وقتی بهمن ابراهیمی خودش رو به نزدیک‌ترین درمونگاه رساند، دستش به اندازه یه لوله پولیکا باد کرده بود، پراز تاول‌های ریز و درشت... .

راستش پشت تصاویر خیره‌کننده بعضی از مستندها قصه‌های عجیب و غریبی وجود داره... .



به سوی ماوای سهندر امپراطور

بهمن ابراهیمی در مستند بلند «اشترانکوه» با نمایش محیط زیست بکر شرق لرستان، پیرامون انقراض نسل سمندرهای امپراطور هشدار می‌دهد. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، بهمن ابراهیمی، کارگردان مستند «اشترانکوه» درباره تولید این مستند توضیح داد: قبلاً در مستند «با سیمره» تصاویر بسیار زیادی از جاذبه‌های زیست محیطی غرب استان لرستان تهیه کرده بودم، اما هیچ‌گاه نشده بود که بتوانم شرق استان لرستان را نیز به تصویر بکشم؛ همین شد که تصمیم گرفتم مناطق شرقی استان لرستان را با محوریت اشترانکوه به تصویر بکشم.



بهمن ابراهیمی

نویسنده:

سهیل محمودی



ابراهیمی گفت: طرح مستند نوشته شد و سیمای مرکز

لرستان نیز تهیه‌کنندگی آن را برعهده گرفت. البته من در آن موقع ۳۰ درصد کار را تصویربرداری کرده بودم. تولید این کار، ۱۴ ماه تمام زمان برد.

کارگردان مستند «اشترانکوه» درباره مسائلی که در این مستند بررسی شده، گفت: در این مستند، بیشتر با نگاه بوم گردی طبیعت ناشناخته آن منطقه را به قاب تصویر کشیده‌ایم. بیشتر بخش‌های این مستند، تصاویری است که برای اولین بار دیده خواهد شد. مکان‌هایی که تا به حال دیده نشده و غارهایی که برای اولین بار از آن‌ها تصویربرداری می‌شود، بخش عمده این مستند را تشکیل می‌دهند.

وی افزود: می‌شود نام این مستند را «با سزار» گذاشت، چرا که روایت این مستند، مخاطب را با رود سزار همراه می‌کند که از پیوستن چندین رود در

شمال و شرق و مرکز لرستان به وجود آمده و نهایتاً به سد دز در خوزستان می‌ریزد. این رودها از مکان‌های متعدد و زیبا و دلنشینی می‌گذرند و به هم وصل می‌شوند تا ما را به یک نقطه به نام پاپی می‌رسانند که منطقه‌ای بین استان لرستان و خوزستان است. در این منطقه، نوعی سمندر هست به نام سمندر امپراطور که این رودها به زیست‌گاه این گونه‌ی جانوری منتهی می‌شوند. قصه این گونه است که این رودها می‌روند تا به ما خبر بدهند که سمندرهای امپراطور در معرض انقراض قرار دارند.

مستند «اشترانکوه» به کارگردانی بهمن ابراهیمی در صدا و سیمای مرکز لرستان تهیه شده است و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره مستند در تاریخ چهارم آذر، ساعت بیست در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پیوسته فیلم مستند «اشترانکوه»



لرستان را ببین! لذت ببر و سکوت کن!

یادداشتی درباره مستند «اشترانکوه»

نویسنده: رحیم ناظریان

چگونه می‌توان درباره فیلمی سخن گفت که هیچ چیزی جز رساندن مخاطب به حظی بصری در دورنمای خود ندارد؟ شما شاهد فیلمی هستید که زیبایی‌های یک جغرافیا را بدون

درفرآیند تحلیل، شکل برخورد با فیلمی داستانی یا مستند که اساساً بر پایه لذت بردن و یا انعکاس جذابیت جهان طبیعی تولید شده باشد، متفاوت است. سوال اینجاست



دست‌کاری نشان‌تان می‌دهد و حتی با امکانات فیلمیک، این جذابیت تصویری از خودِ جهان واقعی هم بلکه زیباتر دیده شود. چگونه می‌توان درباره اثری که ادعای «فیلم» بودن (برای تلویزیون) یا نهایتاً «سینما» بودن را یدک می‌کشد، اندیشید؟ آیا فیلمی که فقط مجال دیدن به مخاطب بدهد و در ورای این مشاهده، لذتی دیداری از جهان پیرامون را نصیب او کند و آنچه اندیشه‌ی هنری می‌نامیم، از وی سلب کند را می‌توان اساساً فیلم نامید؟ اگر این ادعا درست باشد آیا ضامن «فیلم» بودن یک اثر، تنها اندیشه‌ورزی آن است؟ آیا سینمای مشاهده‌گر، در تاریخ سینما آثاری را خلق ننموده که تنها جهان واقعی را بی‌کم و کاست به مخاطب نشان داده باشد؟ سوال این است وقتی با اثری این چنین که تنها به شما می‌گوید: «طبیعت را ببین و لذت ببر!» مواجه می‌شوید، چگونه با آن برخورد می‌کنید؟

یک: مستند «اشترانکوه» اثری است به شدت زیبا! زیبا از آن نظر که جهان واقعی و طبیعت بکر یک جغرافیا را

نشان‌تان می‌دهد. آن قدر جذابیت بصری از منظر زیبایی‌های طبیعی و فیزیکی دارد که در طول دیدن اثر، دائم در حال افسون هستیم.

دو: فیلم به هیچ عنوان شما را خسته نمی‌کند. بیش از یک ساعت مستندی طبیعت محور می‌بینید و از تصاویر خوش‌شان می‌آید، چرا که دارید با آبشارها، غارها، کوه‌ها، گیاهان و جانوران عجیب سرگرم می‌شوید.

سه: به ظاهر ایرادی در تدوین مستند دیده نمی‌شود، چرا که همه چیز سرجایش قرار دارد.

چهار: فیلم از نظر قدرت و کیفیت تصویربرداری بی‌نظیر است و از همه ابزار موجود در جهت تولید تصاویری به شدت واضح و زیبا سود می‌برد.

پنج: نریشن با همراهی یکی از بهترین گوینده‌ها با صدایی دلنشین پیش می‌رود.

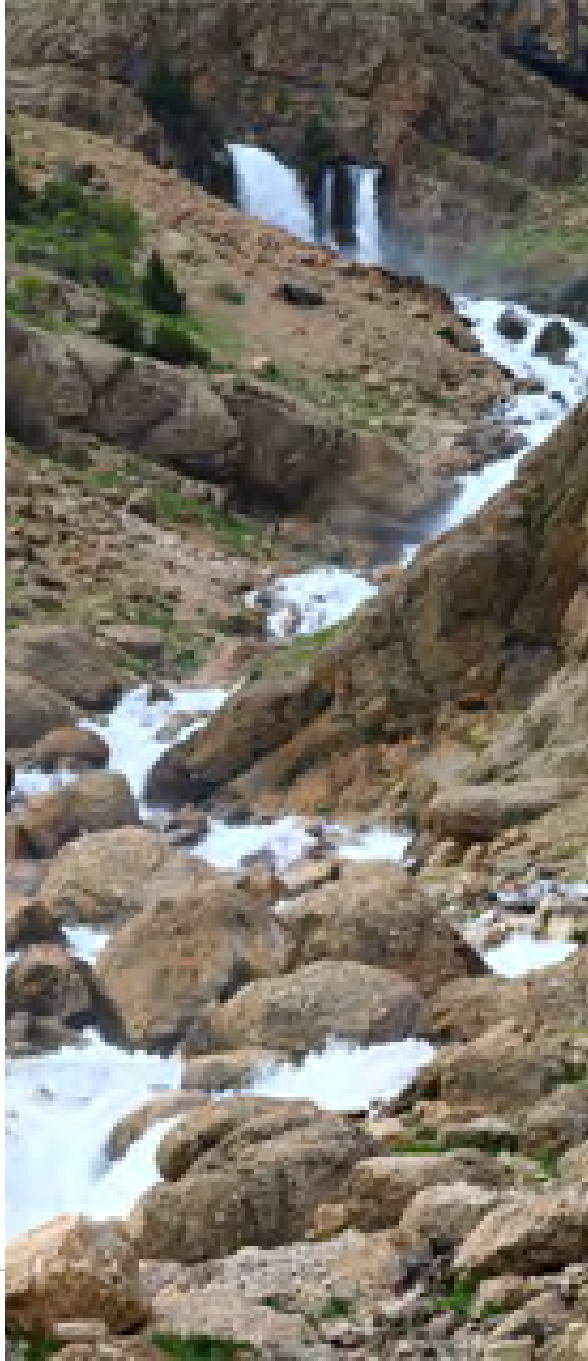
شش: صداپردازی و صداگذاری و نورپردازی، دقیق و حساب شده است، حتی در غاری تنگ و تاریک شما به عنوان بیننده همچنان تصاویر را با کیفیت می‌بینید.

هفت: فیلم به خوبی اطلاعات می دهد. بسیار دلنشین «اشترانکوه» زادر خلال روایت می شناسید.

هشت: نهایتاً این که «اشترانکوه» مستندی است که هیچ ایرادی ندارد. این را با تأکید می گویم! مستند «اشترانکوه» هیچ ایرادی در تولید ندارد.

تمام موارد هشتگانه بیان شد تا بگویم این فیلم با وجود همه این نکات مثبت، آیا می تواند فیلم بدی باشد؟ چگونه می توان فیلمی که همه عوامل تولیدی اش به بهترین شکل ممکن عمل می کنند را فیلمی بد قلمداد کرد؟ شاید سؤالی که طرح می شود از اساس اشتباه باشد! شاید قبل از هر سؤالی باید پرسیم آیا این اثر بی ایراد، اساساً فیلم هست؟! یا باید این «کلمه» را از سؤالمان حذف کنیم؟ آیا هنردر قبال عناصری چون خلاقیت و اندیشه است که معنای یابد یا در جوارِ سوادِ تکنیکی؟

آیا پرداختن به زیبایی های طبیعی و زیبایی به معنای عام (نه فلسفی اش)، که قاعدتاً پدیده ای نسبی است،



می‌تواند جایگزین آن زیبایی شناسی هنری که اساساً اندیشمندانه است، شود؟ اگر صرفاً پرداختن به امر زیبا، آن طور که در سوبه عامیانه مطرح است، دلیلی بر ارزش گذاری اثری هنری باشد، پس تکلیف نیمی از تاریخ هنر که به زشتی‌های دنیا پرداخته‌اند چه می‌شود؟ دوزخ «دانه» سرشار از زشتی‌هاست اما به زعم بسیاری از منتقدان، بهترین بخش از کم‌دی الهی نیز هست. در تاریخ فلسفه‌ی هنر هیچگاه مفهوم زیبایی، آنچه که «زیبا بود و یا زیبا هست» تلقی نشده، بلکه امر زیبا به پدیده‌ای یا اندیشه‌ای اطلاق گشته که در درون خود، زیبایی شناسی هنری داشته باشد. اغلب آثار ادبی از گیلگمش تا کنون، شرح زشتی‌های جهان هستند با زیبایی شناسی هنری!

مستند «اشترانکوه» به شدت خوب تولید شده است و می‌توان پروژه را پروژه‌ای مشقت بار در تولید تصوّر کرد. فیلم درباره رشته کوهی در دل زاگرس است، که به آلپ ایران معروف شده و از نظر جذابیت‌های گردشگری، یکی

از مراکز مهم به حساب می‌آید. مستند برودها، و سرشاخه‌های منتج از این رشته کوه، حیات جانوری و گیاهی و جذابیت‌های طبیعی و چشم نواز این جغرافیا تاکید دارد و موبه موتامی این زیبایی طبیعی را شرح می‌دهد.

برای تولید چنین اثری با چنین وسعت جغرافیایی بی شک نیازمند تیمی قوی هستید و البته انرژی تمام نشدنی برای رها نمودن پروژه در میانه کار. مستند «اشترانکوه» برای نیل به اهدافش در جهت معرفی این رشته کوه و تمام زیر و بم آن، به عوامل حرفه‌ای محتاج است تا بتواند از منظرهای پژوهشی، محیط زیستی، منابع طبیعی، آبخیزداری، زمین شناسی و ... موفق عمل کند. در این مستند کوه نوردی و مصائب آتی آن، غارنوردی، تصویربرداری در برف و یخ، یخ پیمایی و عبور از دره‌ها و کوه‌های صعب العبور و ... توسط عوامل تولید به شکلی عملی انجام می‌گیرد. بی شک تولید چنین مستندی با چنین وسعت موضوع، بسیار زمان بر و خطرناک خواهد بود و هماهنگی با اکپ حرفه-

مستند برودها، و سرشاخه‌های منتج از این رشته کوه، حیات جانوری و گیاهی و جذابیت‌های طبیعی و چشم نواز این جغرافیا تاکید دارد و موبه موتامی این زیبایی طبیعی را شرح می‌دهد.

ای برای رسیدن به مناطق مورد اشاره در مستند بسیار پیچیده و سخت به نظر می‌رسد. با اطمینان می‌توان گفت شاید بیش از صد نفر به طور مستقیم در تولید این اثر دخیل بوده‌اند.

علاوه بر این، بافت جغرافیایی منطقه به شکلی است که برای تصویربرداری از جاذبه‌هایی که در فیلم بدان پرداخته شد، به دلیل فصلی بودن آن‌ها یقیناً باید چندین بار به محل مورد نظر اعزام می‌شدند. چرا که اکثر آبشارها و مناظر طبیعی و حتی گل‌های نادر منطقه در مدت زمان کمی قابل رؤیت هستند و در فصول مختلف، امکان تصویربرداری همزمان از همه این جاذبه‌ها وجود ندارد. به نظر تولید چنین اثری بیش از یک سال زمان برده باشد.

«اشترانکوه» مستندی بسیار جذاب از حیث طبیعت‌گردی است. نریشن بسیار دلپذیری دارد و به طور کلی، مستند تلویزیونی بسیار چشم‌نوازی است، اما با این حال همه این‌ها ذاتاً تعریفی از هنر نیستند. به عبارتی مستند «اشترانکوه» همه آنچه باید اثری

درخشان نامید را دارد جز خلاقیت و کشف.

مشکل اینجاست که تا بحث از کشف هنری می‌شود آن را با شکلی کشفی که در این قبیل آثار روی می‌دهد، یکی می‌دانند و اشتباه می‌گیرند. باید بدانیم از کدام کشف حرف می‌زنیم.

بحث بر سر کشف هنری است و نه کشف طبیعی. مخاطب باید چیزی در اثر هنری کشف کند نه اینکه منفعل بنشیند و فقط نظاره‌گر کشف جهانی جدید توسط هنرمند باشد. کشف نهانی‌ترین قسمت یک غار که تاکنون هیچ دوربینی بدان وارد نشده، کشف آن سوی یک آبشار، نشان دادن یک مارمولک نادر و کمیاب و هزاران مورد از این دست، در جای خودش که جایگاه علم و دانش است، بسیار ارزشمند است اما اینجا ما منتظر رویدادی هستیم یا کشفی از هنرمند که ذهن را درگیر کند. در حین یا شاید سال‌ها پس از دیدن یک اثر، حالا نوبت ماست که از جایگاه مخاطب از درون کشفیات هنرمند، چیزی جدید

را با تأویل و تفسیر در درون اثر کشف کنیم. «اشترانکوه» برای کشف، چه چیزی ارائه می‌کند؟ چه پتانسیلی جز جذابیت طبیعی و مشقّت تولید دارد. نکته اینجاست مگر چنین آثاری تنها به این هدف ساخته می‌شوند که منطقه‌ای را معرفی کنند؟ به عبارتی آیا فلسفه‌ی تولید چنین آثاری این است که آنهایی که توان سفر به چنین مکان‌هایی را ندارند، بتوانند از قبل تصویر فیلمیک با آنجا آشنا شوند؟ آیا بعد از تولید چنین مستندی، مخاطبان با تحمل رنج سفر و رفتن به چنین مکانی نمی‌توانند بهتر از تصویر ارائه شده در مستند «اشترانکوه»، آن منطقه را به شکل حضوری با چشم خود بسیار زیباتر ببینند؟ آیا ما با رفتن به شهر مشهد و خاصه بارگاه موسی الرضا، می‌توانیم مستند «یا ضامن آهو» اثر کیمیای را ببینیم؟ نه! به هیچ عنوان! آنچه هنر را می‌سازد، متعلق به جهان واقعی نیست بلکه هنر در ذهن هنرمند خلق می‌شود. هنر تقلید از طبیعت نیست، بلکه ۲۵۰۰ سال پیش ارسطو نیز در لابه لای اشارات

بی‌شمارش بر تقلید، بارها مفهوم تخیل و خلاقیت و آفرینش مجدد را بکار برد. هنر بی‌شک خرق عادت است. هنرمی‌تواند انعکاسی باشد از جهان واقع در ذهن خلاق هنرمند و پالایش آن و نهایتاً دریافت و بررسی آن در ذهن مخاطب. این سه مرحله تولید هنری به نظریه تمام مراحل تکنیکی تولید اثری هنری، اعم از فیلمبرداری و تدوین فرق می‌کند. بی‌شک بدترین نقاش دنیا کسی است که منظره‌ای واقعی را زیباتر از خود واقعی منظره بکشد؛ یا به عبارتی نقاشی که بتواند چهره شما را چنان واقعی بکشد که انگار خودتان را درآینه می‌بینید، نقاش نیست.

اوفقاً تکنیک کپی کردن از جهان واقعی را به خوبی یاد گرفته است و می‌داند چگونه و با چه ابزاری قلم را بر بوم بلغزند تا این کپی، هرچه بهتر به واقعیت نزدیک باشد. آنچه نقاش را به عنوان هنرمند مطرح می‌کند، همان ریزه‌کاری‌هایی در حد و اندازه یک لبخند نامحسوس ژکوندی است. لبخندی که رازآلود است و باعث همان نکته‌ای خواهد شد که بدان

اشاره کردیم. کشف! کشف عنصری است که علاوه بر هنرمند، بر عهده مخاطب نیز هست و نه اینکه فقط مؤلف این بار را به دوش بکشد!

کلمه بعدی که دلیل رد «اشترانکوه» به عنوان اثری هنری است، موضوع تأویل است. هنر ذاتاً قابل تأویل است. حتی نقاشی‌های دوره پارینه سنگی، در غار لاسکو بعد از هفده هزار سال، همچنان قابل بحث است. آنها نیز گاوها را با نیتی آیینی یا هنری کشیده بودند و از روی عمد سعی کردند در برخی از اندام‌ها، اثرشان شبیه به گاو واقعی نباشد گرچه تمام تلاششان تقلید از طبیعت بود.

مستند «اشترانکوه» اغراق بیش از اندازه‌ای در جذابیت بصری و واقعی بودن دارد. گرچه باید پذیرفت این مستند از اساس نیتی چنین سراسر است داشته تا طبیعت لرستان در محدوده سلسله جبال «اشترانکوه» را نشان مخاطب بدهد، اما بحث ما نه رد این مستند، بلکه تحلیل سویه هنری آن است و یقیناً می‌دانیم که مستند تلویزیونی بر همین اصل ساده سازی

تاکید دارد.

مستند «اشترانکوه» با دقت مثال زدنی تمام پستی بلندی‌ها و نقاط دیدنی اطراف این رشته کوه را به تصویر می‌کشد.

با این حال بی شک نمی‌توان اصالت مستندی طبیعت‌گرایانه را بهانه‌ای برای حذف سویه هنری آن دانست. بارها و بارها در سینمای مستند، سوژه‌ها حول محور طبیعت بوده ولی خلاقیت روایی فیلمساز، جذابیت طبیعت را رام خود کرده است.

مستند «اشترانکوه» حتی اگر تنها به رودخانه «سزار» می‌پرداخت این گونه سردرگم از آب در نمی‌آمد. مستند بیش از شصت دقیقه است و از بلندای کوه‌های «اشترانکوه» شروع می‌شود، رودخانه‌ها، آبشارها، حیوانات و مردم و اقوام ساکن منطقه را نیز نشان می‌دهد و نهایتاً با معرفی یک نوع جاندار در خطر انقراض به نام «سمندر لرستانی» خاتمه می‌یابد. مستندی که جز نشان دادن بی‌عیب و نقص جذابیت‌های طبیعی، جذابیت دیگری ندارد.

فستیوال مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «اشترانکوه» C9



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید.
ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](http://festmostanad) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.